

## متن سخنرانی جناب آقای دکتر محسن نوربخش مقام محترم معاونت اقتصادی ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحيم

در ارزیابی کلی نظام بانکداری بدون ربا، فکر می‌کنم موفقیت‌های حاصله در ده سال گذشته به مراتب بیش از اشکالاتی است که احتمالاً در بعضی از موارد شاهد آن بوده‌ایم. وقتی سیستم بانکی را با سایر تشکیلات اجرایی نظام اقتصادی کشور مقایسه می‌کنیم معلوم می‌شود که چه بار عظیمی را به دوش می‌کشید و باید به شما تبریک گفت و انشاء... در آینده همچنان بتوانید به عنوان یکی از بخشهای مؤثر نظام اقتصادی کشور این وظیفه سنگین را بر عهده داشته و پیش ببرید. فرصت مغتنمی است که تجربه یک دهه بانکداری بدون ربا در ایران را مورد ارزیابی قرار داده و منصفانه ببینیم در کجا قرار داریم و برای رفع اشکالات چه اقدامات و تدابیری را باید اتخاذ نمائیم. این ارزیابی را به خصوص بسیار مثبت می‌دانم زیرا در شرایط جدید اقتصادی و با توجه به برنامه‌های تعدیل اقتصادی به نظر من گاهی سیستم بانکی بسیار غیر منصفانه مورد حمله و انتقاد قرار می‌گیرد بدون اینکه توجه شود چه وظیفه و مسئولیت سنگینی را بر عهده دارد. مناسب آن است که این بحث را از سه زاویه مورد توجه قرار دهیم. اولاً از دید تخصصی و به عبارت دیگر از نقطه نظر سیستم بانکی. ببینیم در این دهه عملکرد سیستم بانکی موفق

بوده است یا خیر؟ ثانیاً از نقطه نظر فقهی و اشکالاتی که گاه و بیگاه بعضی از آقایان متوجه سیستم بانکی می‌کنند و بعضی از روشهای جاری سیستم بانکی را حلال یا حرام می‌دانند بینیم روش اجرایی چگونه بوده؟ این انتقادات به حق است یا خیر؟ و نکته سوم از دید نظام اقتصادی و باری که سیستم بانکی به دوش می‌کشد و مشکلاتی که در مرحله اجراء حل شده و مشکلاتیکه هنوز هم با آن روبروست و انتقاداتی که بعضی از مسئولین اجرایی نسبت به سیستم بانکی دارند باید مورد ارزیابی قرار گیرد. بینیم کدامیک از این انتقادات درست است. آنها را پذیرفته و آنهایی را که فکر می‌کنیم ناحق است پاسخ دهیم.

به نظر من این سمینار از این جهت مفید است که به هر حال پس از یک سال کار و بدون اینکه از تریبونی برای پاسخگویی به این اشکالات استفاده شود به ارزیابی کارمان پردازیم و احتمالاً پاسخی که برای این اشکالات وجود دارد بیان کنیم تا سؤ‌تعبیرها و سؤ‌برداشت‌هایی را که احیاناً در این زمینه وجود دارد از اذهان عمومی بزدائیم. البته اقبال مختلف جامعه و مقامات مسئول بر حسب وظیفه و کار تخصصی ممکن است انتظارات متفاوتی از سیستم بانکی داشته باشند. یکی صرفاً از دیدگاه اجرائی نسبت به سیستم بانکی بیندیشد، دیگری به عنوان مصرف کننده به محض برخورد با کوچکترین مشکل و تنگنای مالی به بانک رجوع کرده و بانک بلافاصله قرض الحسنه در اختیار او قرار دهد تا بتواند همه مشکلاتش را یکباره حل کند. در مقوله انتظارات از بانک آنچه از دید تخصصی مطرح می‌شود و آنچه در جریان عمل با آن مواجه هستیم، در بررسی مشترکی که با علماء محترم داشتیم، بدین نتیجه رسیدیم که غالباً همین دیدگاه مطرح است. در واقع، بانک را به عنوان یک واسطه و جوه معرفی می‌کنند. یعنی مؤسسه‌ای که بتواند منابع را خوب جمع‌آوری کرده آنها را در خدمت اهداف نظام و در چارچوب سیاستهای تنظیم شده در رشته‌های مورد نظر به جریان اندازد. اگر بخواهیم مسأله را از دید تخصصی مورد بررسی قرار دهیم بحث اساسی این خواهد بود که بانک تا چه اندازه در جذب منابع و به‌کارگیری این منابع موفق بوده است؟

یادآوری می‌کنم که ۱۰ سال پیش وقتی که قانون با همکاری ارزنده حضرت آیت‌ا...

رضوانی تصویب شد و ایشان به عنوان نماینده محترم شورای نگهبان مشکلات ما را در مقاطع مختلف حل می‌کردند، قانونی به تصویب رسید که به حق یکی از «قوانین مادر» در کشور ما به شمار می‌رود. خاطرم هست وقتی که لایحه قانونی در شورای نگهبان مطرح شد شورای نگهبان فقط یک ایراد را بر آن وارد می‌دانست و آن حذف تبصره‌ای بود که در مجلس بر لایحه مورد بحث اضافه شده بود والا از لحاظ کلی هیچ ایرادی بر اصل قانون گرفته نشد. به هر حال این نگرانی وجود داشت که عکس‌العمل مردم چه خواهد بود؟ آیا مردم با عدم آشنایی به قانون و عدم آشنایی به سیستم همچنان سپرده‌های خود را در بانک خواهند گذاشت؟ و وقتی این سپرده‌ها تودیع گردید آیا کارگزاران و مأموران سیستم بانکی آشنایی کافی دارند که بتوانند این منابع را در بخش کشاورزی، در بخش صنعت و در بخش مسکن به راحتی مورد استفاده قرار دهند؟ توجه بفرمائید که ما در سال ۱۳۶۲، در اواسط جنگ و در شرایطی شروع به کار کردیم که فشارهای زیادی از جهت مسأله جنگ به سیستم بانکی وارد می‌آمد. شما اگر بررسی کنید می‌بینید در کشورهایی که در شرایط جنگی با این مسائل روبرو هستند یکی از نگرانیها این است که سیستم بانکی فرو نریزد. در آن شرایط. سیستم بانکی ما در سخت‌ترین آزمایش خود قرار داشت یعنی اگر انصاف داشته باشیم و بررسی کنیم می‌بینیم چه در شرایط جنگی و چه در شرایط بازسازی واقعاً سیستم بانکی، شاید جزء یکی از نادرترین بخشهای اقتصاد باشد که این آزمایش را به خوبی پاسخ داده و این سختیها را به خوبی تحمل کرده است. از دید تخصصی آمار و بر اساس آماری که از سال ۶۲ تا خرداد ۷۲ در اختیار دارم عرض می‌کنم که حجم منابع که در پایان سال ۶۲ معادل پنج هزار و پانصد میلیون ریال بود، در خرداد ۷۲ حدوداً به ۳۳ میلیارد ریال بالغ گردید. یعنی تقریباً ۶۰۰ درصد رشد داشته و به شش برابر رسیده است. به جرأت می‌توانم بگویم که سیستم بانکی ما طی دهه گذشته نقش خود را به عنوان محل امن برای جمع‌آوری منابع به خوبی ایفاء کرده و هم-اکنون هم سیستم بانکی ما در مورد سرمایه‌گذارانی که راهی برای ورود به تولیدات اصلی ندارند و امکان انحراف منابعشان به سمت کارهای دلالی و مضر وجود دارد به عنوان یکی از مفیدترین و مطمئن‌ترین منابع و امکاناتی است که از نظر سرمایه‌گذاری وجود

دارد. سرمایه‌گذاری که سود خوبی در انتظار آن بوده و در عین حال مالیاتی به آن تعلق نمی‌گیرد.

ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا تا این حد زمینه برای سپرده‌گذاری فراهم آمده است؟ پاسخ این است که کدام کشور است که در این خصوص مساعی لازم مبذول نداشته و در صدد تشویق و ترغیب مردم به سپرده‌گذاری در سیستم بانکی نباشد؟ در واقع سعی هر سیستم بانکی و هر کشوری معطوف بر آن است که سپرده‌گذاران را بیش از پیش از اولویتها و امکانات سپرده‌گذاری برخوردار گرداند و اگر ما این امکانات را باریسک و مخاطره در آمیزیم آیا فکر نمی‌کنید که خروج این منابع از سیستم بانکی چه آشوبی می‌تواند در وضع اقتصادی مملکت به وجود آورد؟ هنوز مشکلات شرکتهای مضاربه‌ای را فراموش نکرده‌ایم و به یاد داریم که این شرکتهای خود ما رجوع می‌کردند و می‌گفتند که شما مالیات از ما نگیرید تا در استرداد سپرده‌های مردم برای ما گشایشی حاصل شود. ما گفتیم بسیار خوب، شما ابتدا سپرده‌های مردم را مسترد دارید، بعد ما در مورد مالیات چاره‌اندیشی خواهیم کرد. ملاحظه می‌فرمایید که این امر چه معضلاتی برای مملکت ایجاد کرده بود و خوشبختانه یک بار به صورت جدی این موضوع در هیات دولت مطرح و بساطش برچیده شد و ما امکاناتی را فراهم کردیم که سیستم بانکی بتواند خود را به پس‌اندازکننده‌اش خوب بشناساند و معرفی کند و در واقع دولت امکانات مالی خوبی را در نظام اقتصادی‌اش داشته باشد که از آن بتواند در جهت نیل به اهداف مورد نظر استفاده کند. این یک قسمت از فعالیتی است که برای بخش منابع انجام پذیرفت. در مورد مصارف نیز تسهیلات اعطائی بانکها در پایان سال ۶۲ در حدود ۴۵۰۰ میلیون ریال به حدود ۲۸ میلیارد ریال بالغ گردید که رشدی بیش از ۶۳۰ درصد را به خود تخصیص داد.

آنچه از نظر تخصصی معرف یک بانک می‌باشد اینست که اولاً بتواند خوب سپرده جمع‌آوری کند و ثانیاً ابزار کافی داشته باشد که بتواند در رشته‌های مختلف خوب به کار اندازد. در نظام بانکی جدید، عقود مختلفی که از نظر اسلامی معرفی شده است واقعاً امکان خوبی فراهم می‌کند که ما بتوانیم در تمامی زمینه‌ها از بخش کشاورزی گرفته تا

بخش مسکن و غیره منابع بانکی را با استفاده از ابزارهایی که کارآئی خود را نشان داده‌اند به کار گیریم.

یک نکته دیگر به عنوان یکی از خصیصه‌های سیستم بانکی به خصوص بعد از بحرانهایی که بانکداری غرب با آن روبرو شده است ثابت سیستم است. یعنی سیستم بانکی تا چه حد از ثبات برخوردار باشد که بتواند در مقابله با بحرانهای مختلف اقتصادی خود را پوشش دهد. آماری را که در رابطه با مسأله ورشکستگی بانکها به علت شرایط رکودی در آمریکا و اروپا ملاحظه می‌فرمائید تعداد قابل توجهی را نشان می‌دهد. این یکی از خصیصه‌های بارز بانکداری غربی است که هر وقت از شرایط رونق به سمت شرایط رکود می‌رود چون در واقع بدون توجه به عملکرد اقتصادی به انباشتگی سود پرداخته است مواجه با یک سری بحرانهایی می‌شود. این بانکها به محض شروع شرایط رکود بلافاصله به علت عدم امکان وصول وثایقی که دارند و منابعی که به صورت تسهیلات داده‌اند با بحران و ورشکستگی روبرو خواهند شد.

در سیستم بانکداری اسلامی که در واقع بانک شریک فعالیتهاست، به محض اینکه فعالیتهای اقتصادی از حالت رونق به حالت رکود برسد از سرعت فعالیت بانکی هم در واقع کاسته می‌شود و این خود موجب ثبات سیستم بانکی می‌گردد. جالب اینکه چندی پیش در روزنامه «وال استریت» به عنوان یکی از روشهایی که بتواند برای ثبات سیستم بانکی غرب کارآئی داشته باشد استفاده از روش مشارکت را تحت عنوان روشی که در بانکداری اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد پیشنهاد نموده بود. به هر حال این یکی از خصیصه‌های بارزی است که کار مفصلی را از نظر تحقیق می‌طلبد و من به خصوص از اساتید محترم و استادانی که در این زمینه کار می‌کنند تقاضا می‌کنم که یک مقایسه نسبی را در مورد ثبات سیستم بانکی از این دید انجام دهند و بررسی کنند که از نظر علمی کدامیک از این دو سیستم از ثبات بیشتری برخوردار است. به طور خلاصه ارزیابی من از نقطه نظر تخصصی این است که یک دهه موفقی را گذرانده‌ایم.

دید دیگر نسبت به سیستم بانکی که گاه و بیگاه با آن مواجه می‌شویم در واقع تطبیق عملیات بانکی با اصول اسلامی و شرعی بودن و غیرشرعی بودن آن است. همانطور که

حضرت آیت‌ا... رضوانی فرمودند در متن قانون و در آئین‌نامه‌ها هیچ اشکالی از جهت اینکه ما بگوییم خلاف اصول اسلامی و خلاف شرع است وجود ندارد و این امر به تأیید منابع رسمی مملکت نیز رسیده است، یعنی آنچه را که ولی فقیه مشخص فرموده‌اند و آنچه را که مورد تأیید شورای نگهبان می‌باشد عمل گردید زیرا آنچه می‌توانست مبنای کار ما قرار گیرد در واقع همین مراجع رسمی بودند که وجود دارند و وظیفه ما هم به‌عنوان مسئولین اجرائی این بود که این تطبیق را انجام دهیم و مطمئن باشیم کاری خلاف شرع صورت نمی‌گیرد. گاه و بیگاه می‌بینیم که در روزنامه‌ها و سخنرانیهای مختلف اشاره می‌شود به غیر شرعی بودن عملیات بانک. من فکر می‌کنم اینها هیچ کدام مبنای محکمی ندارد.

در مورد اشکال دیگر که در روزنامه‌ها مطرح شده بود به دو نکته اشاره می‌کنم. اینطور عنوان گردیده بود که وقتی شما به یک تولیدکننده صد تومان پول می‌دهید و بعد انتظار دارید سودی که حاصل می‌شود به شما برگرداند این باعث می‌شود که قیمت تولید بالا رود و بنابراین همین انتظار سود موجب افزایش قیمت خواهد شد. نتیجه اینکه تسهیلات پرداختی به تولیدکننده باید به صورت قرض‌الحسنه باشد. اگر قرار شود به مؤسساتی نظیر مجموعه سیمان کشور که سود آنها در نیمه دوم ۷۱ و نیمه اول ۷۲ در مقایسه با سود سالهای قبل بالغ بر میلیاردها ریال می‌شود از محل سپرده آن زن خانه‌دار یا آن فرد بازنشسته تسهیلات مورد نیاز پرداخت گردد براساس چه دید منصفانه‌ای می‌توانیم بگوییم که در واقع آن فرد سپرده‌گذار هیچ انتظار سودی نداشته باشد و اگر قرار شود همه منابعی که بانکها می‌دهند به صورت قرض‌الحسنه باشد چه کسی سپرده خود را در بانک می‌گذارد؟ چون افراد در واقع تمایلات مختلف دارند. تجربه ما نشان می‌دهد که از طریق کارهای تبلیغی و تشویقی فقط می‌توان بخشی از منابع را به عنوان قرض‌الحسنه جذب کرد و بخش دیگر را مردم به امید سود در بانک می‌گذارند. البته سود مورد انتظار معلوم نیست که چقدر باشد ولی همگی به این امید هستند که سود ببرند. اگر قرار باشد که منابع بانک تماماً از قرض‌الحسنه تشکیل شود، کمبود منابع بانکی را چگونه باید تأمین کرد؟ پس سؤال مشخص در رابطه با تأمین مالی فعالیت‌های تولیدی از

طریق قرض الحسنه این است که اولاً منابع مورد نیاز را از کجا می آورید. ثانیاً از کجا تشخیص می دهید به کی بدهید به کی ندهید. اگر بخواهید به همه بدهید که اصلاً امکانش نیست و اگر بخواهید قائل به تبعیض باشید این خودش یعنی تشکیل صف یعنی قیمت پیدا کردن. خوب چرا این قیمت را به آن تولید کننده ای که از ما قرض الحسنه می گیرد و در تولید به کار نمی برد و به عنوان واسطه و دست دوم به فرد دیگری می دهد و سودی می برد بدهیم؟ چرا از این طریق سیستم بانکی را وارد دلالتی کنیم؟ اینها به نظر من از نظر اجرایی باید پاسخ مشخصی داشته باشد. ما پیشنهاد می کنیم طرح و لایحه مشخصی را بدهید. اگر در بحث کارشناسی مورد قبول قرار گرفت به آن سمت برویم اگر نگرفت در بحث کارشناسی آن را به عنوان اشکالات مطرح کنیم مضافاً اینکه این نحوه استفاده از تسهیلات موجب تورم نیز خواهد شد.

توجه کنیم که بانک در سود حاصله شریک خواهد شد. مثلاً کارخانه سایپا آمده منابعی را گرفته. آیا فکر می کنید سایپا قیمتی که روی اتومبیل می گذارد بر حسب قیمت تمام شده به اضافه سودی است که به بانک می دهد؟ می گوید قیمت اتومبیلی که من می فروشم این مبلغ است به اضافه سودی که در بازاری حاکم است بنابراین این سیستم بانکی نیست که موجب افزایش قیمت خواهد شد بلکه شرایط رقابتی و بازار است که قیمت را تعیین می کند کما اینکه در سیمان نیز شرایط رقابتی وجود دارد.

مورد دیگری که اشاره کرده بودند این بود که آنچه به عنوان خسارت تأخیر تأدیه گرفته می شود رباست و حرام است. براساس مدارک موجود در بانک مرکزی در پایان سال ۶۲ پس از تنظیم روش کار با همکاری آیت... رضوانی من خودم به عنوان رئیس بانک مرکزی نامه ای بدین مضمون به شورای نگهبان نوشتم: «در صورت عدم تسویه کامل اصل بدهی ناشی از قرارداد تا سررسید مقرر به علت تأخیر در تأدیه بدهی ناشی از این قرارداد از تاریخ سررسید تا تاریخ تسویه کامل اصل بدهی، مبلغی به ذمه امضاءکننده این قرارداد تعلق خواهد گرفت. از این رو وام یا اعتبارگیرنده با امضاء این قرارداد ملتزم و متعهد می شود که تا زمان تسویه کامل بدهی ناشی از این قرارداد، علاوه بر بدهی تعدیل شده مبلغی معادل ۱۲٪ مانده بدهی برای هر سال نسبت به بدهی مذکور بر حسب

قرارداد به بانک پرداخت نماید. شورای نگهبان هم در سال ۶۱ پاسخ دادند «تصمیم متخذ در جلسه ۴۷۹ شورای پول و اعتبار و ضمیمه نامه فوق مغایر با موازین شرع نمی باشد» و الان در کلیه قراردادهای بانکی عیناً همین روش برای دریافت خسارت تأخیر تأدیه معمول است و از نظر ما هیچ اشکالی هم ندارد. نظر شورای نگهبان و ولی فقیه برای ما مبانی اجرائی سیستم جاری را تشکیل می دهد. پیشنهادم به برادرانی که این انتقادات را مطرح می کنند این است که بحث را علمی و اجرائی کنیم یعنی از اینکه در روزنامه بگویند و پاسخ بدهند به جایی نمی رسیم. گر راه حل مشخصی وجود دارد به صورت طرح و قانون ارائه شود یا بحث علمی بشود والا بدین شکل وضع موجود را مورد حمله قرار دهیم و در حالی که چیزی جایگزین آن نداشته باشیم چه حاصلی برای ما خواهد داشت؟

بحث سوم در واقع ارزیابی سیستم از نظر اتکاء نظام اقتصادی و جایگاهی که سیستم بانکی در نظام اقتصادی دارد و انتقاداتی که گاهی مسئولین اجرایی از وضعیت بانکها می کنند می باشد. باید تشکر کنم از کارمندان سیستم بانکی که با توجه به منابعی که جمع آوری شده است، در چارچوب نظام بانکی واقعاً نقش بسیار شایسته و بسزایی را داشته اند. بانک الان به صورت فعال دارد کار می کند و بر خلاف آنچه گفته می شود اینطور نیست که فقط در بخش خدماتی و دلالی فعالیت دارد. در حال حاضر بانک بیشتر در بخشهای زیربنایی و اساسی به کمک مملکت آمده و الان در این رابطه بار عظیمی را بدوش گرفته است. مثلاً در بخش کشاورزی پروژه های عظیم کشاورزی با کمک و همیاری سیستم بانکی انجام می شود. از پروژه نیشکر در خوزستان گرفته تا بعضی از پروژه های کشاورزی که خود بانکها در این زمینه به کار گرفته اند. نقشی که بانک کشاورزی در بخش کشاورزی بر عهده دارد هر چند ممکن است کافی نباشد ولی در حل مشکلات کشاورزان نقش بسیار اساسی داشته است. در بخشهای زیربنایی، سیستم بانکی هم اکنون حتی در پروژه های بزرگراه سازی و راه سازی دارد کار می کند. از جمله بزرگراه زنجان قزوین با کمک مالی بانک عملی و بزرگراه ساوه تهران را می توان نام برد. حتی در سدسازی هم سیستم بانکی فعال و در صحنه است. در بخش آموزشی در حال حاضر

آنچه مدارس غیرانتفاعی دارند سرمایه گذاری می کنند متکی بر منابع سیستم بانکی است حتی در ساختن آزمایشگاههای مدارس، شواری پول و اعتبار تصویب کرده است که قرض الحسنه داده شود. در بخش فرهنگی نظیر ساختن مراکز فرهنگی و سینما. در بخش خانه سازی و مسکن، بانک مسکن به صورت فعال دارد کار می کند و همین طور در بخش صنعت.

تذکر این نکته لازم است که ما بعضی اوقات از مسئولین صنعت انتقاداتی را می شنویم درباره اینکه سیستم بانکی خود را با شرایط تعدیل تطبیق نداده است. واقعاً سؤال این است که این سیستم بانکی است که خودش را با شرایط تعدیل تطبیق نداده است یا برنامه ریزان صنعتی ما هستند که نتوانسته اند خودشان را با شرایط تعدیل تطبیق دهند؟ آن حلقه های مفقوده ای که در امر صنعت و برنامه ریزی وجود دارد از نظر کیفیت کار و کمیت کار به آن توجه نمی شود و نهایتاً ماندن محصول روی دست صاحب کارخانه یا تولید کننده است و کمبود نقدینگی. بنابراین نگوئیم که اشکال در سیستم بانکی مربوط می شود به کمبود نقدینگی و اینکه بانکها نتوانسته اند نقش خود را در شرایط تعدیل انجام دهند. اولاً ما این انتقاد را کمتر از زبان مسئولین بخش معدن و تولید فلزات اساسی می شنویم. اگر اشکالی در سیستم بانکی بود در این بخش هم باید این اشکال دیده می شد در حالی که این بخش شاید سرمایه برترین بخشی باشد که وجود دارد و بنابراین اتکاء بیشتری باید به سیستم بانکی داشته باشد. خوشبختانه می بینیم که توانستند خودشان را با شرایط تعدیل تطبیق دهند و با این تطبیقی که داده اند در حد خودشان از منابع سیستم بانکی استفاده می کنند ولی در بخش صنایع و به طور مشخص صنایع سنگین ما بیشترین انتقاد را می شنویم و من فکر می کنم که قسمت قابل توجه این انتقاد بر می گردد به خود مسئولین و دست اندرکاران این بخش که متأسفانه نتوانسته اند خوب برنامه ریزی کنند و خودشان را با شرایط خاصی که امروز از نظر جریانات مختلف تولید وجود دارد تطبیق دهند. ببینید یک «پروسه» تولید در واقع مراحل مختلف دارد: از مرحله سفارش مواد اولیه که باید به موقع صورت پذیرد و به اندازه کافی باشد تا مرحله ساخت و مرحله انبار محصول و فروش. هر کدام از این مراحل شرایط خاص خودش را دارد. ما اگر برای این

مراحل مختلف برنامه‌ریزی نکنیم یعنی آن را به حال خودش رها کنیم نهایتاً تولید به اصطلاح روی دست تولید کننده می‌ماند و بنابراین با مشکل نقدینگی روبرو می‌شود. اگر بگوییم این ناشی از کم‌کاری سیستم بانکی است به نظر من منصفانه نیست. در یک بررسی از یک نمونه بیست و پنج تایی کارخانه‌ها که با مشکلاتی روبرو بودند هیچ‌ده مورد مربوط به مشکلات ناشی از عدم فروش بود. نباید نسبت به این مساله بی‌توجه باشیم و حساسیت نداشته باشیم. اگر که نیاز به تعرفه حمایتی و استفاده از امکانات دیگری است حتماً باید انجام شود. متهمی بعضی از اشکالات به درون سیستم صنعت بر می‌گردد. بدین مفهوم که کیفیت کار و تولیدات تا چه حد مرغوب باشد. اینکه تا چه میزان از نظر نوآوری در تکنولوژی و به روز کردن صنعت از نظر شرایطی که دارد به موقع عمل کرده و زمینه را برای رقابت تولیدات و عرصه محصولات با کیفیت مطلوب فراهم آورده باشد. بنابراین اگر این موجبات آماده نباشد و در نتیجه صنعت با مشکل مواجه گردد، نباید مشکلات را به سیستم بانکی ارتباط دهیم. فرض کنید بانک مرکزی بخشنامه کرده است که تسهیلات لازم در اختیار کارخانه‌ها قرار گیرد. آیا فکر می‌کنید مشکل به طور کلی حل شده است؟ آیا بعداً با انباشتگی بدهی روبرو نمی‌شویم. پیشنهاد می‌کنم به جای این انتقادات، سعی کنیم منابع را با دقت کامل به کار گیریم. اگر اشکال در نوع تولیدات است، در نوع تکنولوژی است، بیایم آن را تغییر دهیم و توجه کنیم که ابزار کار در شرایط بعد از تعدیل با ابزار کار قبل از تعدیل فرق می‌کند. قبل از تعدیل ما ابزار کارمان به تخصیص ارز مربوط می‌شد. مسئول مربوطه در واقع با دلار هفت تومان سیاست‌گذاری می‌کرد و از تبدیل هفت تومان به حدود ۱۵۰ تومان بسیاری از مشکلات صنعت را می‌پوشاند. الان این ابزار دیگر وجود ندارد و چنین نیست که مسئول مربوط در اتاق خودش بنشیند و فکر کند فقط با تخصیص دلار هفت تومان بتواند این کار را انجام دهد و بنابراین اگر بخواهیم ابزار جدیدی بنام نقدینگی بسازیم و این ابزار در اختیار من مسئول بخش صنعت باشد و به این طریق بخواهم فرمانروایی خود را در این بخش تثبیت کنم مطمئناً هم صنعت ما و هم اقتصاد ما را با مشکل روبرو می‌کند. فکر می‌کنم مسئولین سیستم بانکی با روی گشاده آماده هستند اگر کارخانه قند ما بیش از ۳۰ سال از عمر مفید

آن گذشته و مستهلک شده است، به جای استقرار یک واحد جدید غیر مرتبط با آن بخش سعی کنیم همان واحد کارخانه قند را که خیلی از کشاورزان هم متکی به آن هستند بازسازی کنیم و به این ترتیب هم کشاورزی هم صنعت را کمک کنیم و به صورت ریشه‌ای به حل مسائل پردازیم. طبیعی است که سیستم بانکی و دست‌اندرکاران ما از این دید و این روش استقبال خواهند کرد؛ یعنی اینکه متکی بر یک نوع برنامه‌ریزی باشیم که سرمایه در گردش و سرمایه ثابت مورد نیاز صنعت به جای خود و در محل مناسب به کار گرفته شود و با ایجاد جو فشار سعی نکنیم که سیستم بانکی را در محذور قرار دهیم که بدون توجه به این نکات و ملاحظات منابع را در اختیار متقاضی بگذارد و متعاقباً مشکلاتش گریبان خود صنعت را بگیرد.

فکر می‌کنم از دید سوم هم سیستم بانکی ما به خصوص در شرایط تعدیل خوب عمل کرده است و من از شما دست‌اندرکاران و کارکنان خوب سیستم بانکی تشکر می‌کنم. البته نمی‌گویم که کار سیستم بانکی هیچ نقصی ندارد مسلماً از نظر ثوریک باید بیشتر کار کنیم. همانطور که آقای رضوانی گفتند آئین نامه‌ها و قانون ما کامل است. سعی کنیم که مطابق با آئین نامه‌ها کار کنیم و اگر در جایی تخلف صورت گیرد به عنوان تخلف از قانون با آن برخورد جدی کنیم.

از نظر سیاستهای اجرایی هم در دهه گذشته سیستم بانکی در خدمت نظام مقدس جمهوری اسلامی بوده و مطمئنم در دهه‌های آینده نیز این نقش را به خوبی ایفاء خواهد کرد و همچنان یک سرباز در صحنه اقتصادی کمکهای لازم را مبذول خواهد داشت.

تشکر می‌کنم. با آرزوی موفقیت

والسلام علیکم ورحمت‌الله و برکاته